

۴ تن از اعضای کمیسیون آموزش مجلس یازدهم در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کردند

اجرای سند تحول اولویت اول کمیسیون آموزش



تولید قطعات تحریمی فولاد در سرای نوآوری واحد سیرجان

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» فعالیت سرای نوآوری سنگ آهن و فولاد را تشریح کرد

فرهیختگان

دانشگاه

شماره مسلسل: ۳۸۰۰ | منتهی به: ۲۷ خرداد ۱۳۹۹ | ۲۴ شوال ۱۴۴۱ | ۱۶ تیر ۲۰۲۰ | شماره: ۳۰۶۲
Tue | 16 Jun 2020 | vol.12 | No. 3062 | 16 Pages
www.fdn.ir

«فرهیختگان» از تازه‌های تحقیق و فناوری تا ۱۵ سال آینده خبر می‌دهد

۱۵ اتفاق نو در دنیای فناوری را بشناسید

گزارش

مراسم معارفه و تکریم سرپرست پژوهشگاه و شبکه آزمایشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شد

مراسم معارفه و تکریم سرپرست پژوهشگاه و شبکه آزمایشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی با حضور قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شد. مراسم معارفه روح‌الله دهقانی فیروزآبادی سرپرست پژوهشگاه و شبکه آزمایشگاهی دانشگاه و تکریم بابک نگاهداری با حضور دکتر بیژن رنجبر قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد اسلامی پیش از ظهر دیروز در سازمان مرکزی برگزار شد. رنجبر در این مراسم با بیان اینکه دهقانی فیروزآبادی و بابک نگاهداری هر دو از دانشمندان ارزشمند، جوان، با انگیزه و بسیار فعال کشور هستند، گفت: «هر دو در دوران مسئولیت دستاوردهای خوبی داشتند و فعالیت‌های مثمرتری را به سرانجام رساندند.» وی با اشاره به اینکه از خدمات علمی و تفکرات سازنده نگاهداری در باشگاه پژوهشگران جوان و نخجوان و دانشگاه آزاد اسلامی به‌یاد می‌آید، اظهار داشت: «ارتباط نگاهداری با این دانشگاه قطع نخواهد شد و فقط به‌خاطر مسئولیت بسیار مهم و خطیری که در مجلس شورای اسلامی برعهده گرفتند، تا حدودی کاهش می‌یابد.» رنجبر اظهار کرد: «فعالیت پژوهشگاه و شبکه آزمایشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در دوران مسئولیت دکتر نگاهداری بسیار وسیع و گسترده شد و آرزوی توفیق و موفقیت برای وی دارم.» قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در ادامه با تأکید بر اینکه شاهد کارنامه درخشانی از دکتر دهقانی فیروزآبادی در معاونت تحقیقات، فناوری و نوآوری هستیم، گفت: «ایشان فعالیت‌های خوبی را در این معاونت آغاز و ارتباطات وسیعی را با داخل و بیرون از دانشگاه برقرار کردند که یقیناً شاهد توسعه بیشتر فعالیت‌های این معاونت و پژوهشگاه در آینده خواهیم بود.» نگاهداری، رئیس سابق پژوهشگاه و شبکه آزمایشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی نیز در این مراسم با بیان اینکه خرسندیم که در مدت مسئولیت در پژوهشگاه از توانمندی همکاران دانشگاه آزاد اسلامی حداکثر استفاده را کردیم، گفت: «تمرکز بنده در این مدت روی چهار حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، سازمان‌دهی نیروها و ساختار، راهبری و نظارت و ارزیابی بود و تلاش داشتیم تا رویکردهایی را که رئیس دانشگاه آزاد اسلامی مطرح می‌کردند به شکل نهادینه و در قالب دستورالعمل، بخشنامه و آیین‌نامه از گفت‌وگو به فعل کاری تبدیل کنیم. در این راستا ۲۵ دستورالعمل و آیین‌نامه به واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی ابلاغ شد.» وی ادامه داد: «در حوزه سازماندهی نیروها اعتقاد داشتیم که اعضای هیات‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی بهترین افراد برای فعالیت در پژوهشگاه و شبکه آزمایشگاهی هستند و طی فراخوانی که انجام شد، ۵۰۰ نفر از اعضای هیات‌علمی مورد گزینش و ارزیابی قرار گرفتند که از تعدادی از آنها دعوت به همکاری شد.» رئیس سابق پژوهشگاه و شبکه آزمایشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی، برنامه‌ریزی مبتنی بر عملکرد (بودجه‌عملیاتی) (۴) آموزش عمیق، کاربردی و فایده‌محور در آموزش عالی و آموزش و پرورش؛ (۴) تأمین عدالت اجتماعی؛ (۵) حل‌قطعی اعتیاد؛ (۶) علاج پیری کشور در آینده. پس آنچه می‌ماند یافتن مأموریت و وظیفه تحول در هر دوره و موقعیتی است. این خصیصه، مجموعه فعالیت‌های پیشرفت را معنادار کرده و ضمن برانگیختن حمایت‌های عمومی و مشارکت‌های اجتماعی، زمینه را برای اقدامات و افعال سودمند نوآوری مهیا می‌کند؛ مسأله‌ای که فقدان آن جامعه امروز ایران را به شدت رنج می‌دهد.

این متن با سؤال «کدام نوآوری؟» آغاز شد و با صورت‌بندی اولیه از نظریه تحول در اندیشه آیت‌الله‌خامنه‌ای به این نقطه رسید. امید که این تبیین، آن سوال را همچنان زنده نگه دارد و جامعه را بیش از پیش به تأمل وادارد. تلخ‌ترین اتفاق ممکن برای نوآوری، فراموشی سؤال «کدام نوآوری؟» است. این فراموشی باعث می‌شود به‌بهباه غریبی یا شرفی بودن این واژه، اصل این واقعیت و مفهوم به فراموشی سپرده‌شود و جامعه در گرداب‌های حیرت، پسرقت، تقلید، ناامیدی، درجازدگی و شتابزدگی گرفتار شود. در آن شرایط است که نه یک دست‌هدایتگر مورد اطمینان، بلکه هر دست‌هدایتگری می‌تواند جامعه را به هر جایی ببرد.

ادامه از صفحه یک

امام تحول؛ درآمدی بر نظریه ناب نوآوری

آن وضعی می‌شود که آن روزها وجود داشت، «تعبیر دست‌هدایتگر مورد اطمینان» بیش از هر چیز دیگری، «دست‌نارمی» آدم‌اسمیت در کتاب نظریه احساسات اخلاقی، «با به ذهن متبادر می‌کند که هماهنگ‌کننده منافع شخصی و منافع اجتماعی در بازار آزاد است. آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در ادامه، نقش این دست‌هدایتگر را کاملاً تدریجی بیان می‌کنند: «یک نکته دیگر این است که تحول لزوماً یک حادثه دفعی نیست؛ گاهی تحول تدریجاً انجام می‌گیرد؛ بی‌صبری نباید کرد. اگر چنانچه هدف‌گیری و نشان‌گیری درست انجام گرفته باشد و حرکت به معنای واقعی اتفاق بیفتد، اگر چنانچه به هدف تحول هم دیر برسیم ایراد ندارد؛ عمده این است که راه را برویم، حرکت را انجام بدهیم، وی‌صبری نباید کرد؛ اینکه تصور کنیم که بایستی حتماً دفعتاً کاری انجام بگیرد، نه این‌جوری نیست.» **پدیده مأموریتی.** تحول، ثمره و نتیجه‌ای برای جامعه‌داری خواهد داشت، اگر مأموریتی برای آن طراحی شود. آنچه غرب هم اکنون با عنوان سیاست‌های نوآوری مأموریت‌گرا طرح کرده مشابه این بحث است. علی‌رغم اینکه تحول، عمومیتی پیدامی‌کند و تحول‌خواهی به‌گونه‌ای سبک زندگی توحیدی محسوب می‌شود، لازم است تا به‌صورت اقتضایی و متناسب با شرایط زمانی و مکانی خاص، سازوکارهای اختصاصی برای بعضی شرایط طراحی شود. با این نگاه، صرف ترویج امر «تحول» کافی نیست و لازم است تا به‌صورت مصداقی در بعضی موارد استخدام شود. رهبر انقلاب، متناسب با مسائل جاری کشور بعضی از مأموریت‌های تحول را در زمینه‌های اقتصاد کلان، دولت و اداره، و آموزش و تربیت و اجتماع و خانواده این‌گونه برشمردند: (۱) تحول برای اقتصاد بدون نفت؛ (۲) حرکت به سمت بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد (بودجه‌عملیاتی)؛ (۳) آموزش عمیق، کاربردی و فایده‌محور در آموزش عالی و آموزش و پرورش؛ (۴) تأمین عدالت اجتماعی؛ (۵) حل‌قطعی اعتیاد؛ (۶) علاج پیری کشور در آینده. پس آنچه می‌ماند یافتن مأموریت و وظیفه تحول در هر دوره و موقعیتی است. این خصیصه، مجموعه فعالیت‌های پیشرفت را معنادار کرده و ضمن برانگیختن حمایت‌های عمومی و مشارکت‌های اجتماعی، زمینه را برای اقدامات و افعال سودمند نوآوری مهیا می‌کند؛ مسأله‌ای که فقدان آن جامعه امروز ایران را به شدت رنج می‌دهد.

نه، یک‌جابهایی احساس شکست هم نمی‌کنیم. بنابراین تحول یعنی میل به شتاب گرفتن و سرعت داشتن در حرکت و جهش در حرکت و اجتناب از تبحر، اجتناب از پافشاری بر مشهورات غلط. «این مسأله علاوه‌بر اولویت علی‌الدوام نوآوری، عمومیت و غیراقتضایی بودن آن را هم نشان می‌دهد. «هر جامعه زنده و پویایی به تحول احتیاج دارد؛ ما امروز به تحول احتیاج داریم، در بخش‌های مختلف... زنده ماندن انقلاب به این است که پی‌درپی نوآوری داشته باشد، تحول داشته باشد، پیشرفت داشته باشد؛ تحول یعنی به حال برتری با شکل واضحی دست یافتن؛ یعنی یک جهش، یک حرکت بزرگ، در زمینه‌های مختلف. «بنابراین، نوآوری در هر شرایطی، در هر کشوری، در هر اقتضایی و در هر موقعیتی جاری و ساری است.

اتفاق بنیادی. عمومیت‌بخشی به تحول، زمینه را برای ورود همه سطوح و گروه‌ها به عرصه اقدام فراهم می‌سازد. ازسوی دیگر، جنبه عمومی نوآوری اقتضای تحول در همه موضوعات و لایه‌های جامعه را ایجاد می‌کند، ازسوی دیگر گاهی توجه بیش از اندازه به جنبه‌های سطحی، توجهات را از هسته‌های عمیق منحرف می‌سازد. همچنین حداقل عملکرد، زمینه‌ای را برای فاصله گرفتن از اصل و بنیان موردنظر فراهم می‌کند که جدا مسأله اساسی برای جامعه امروز ماست. در میان انبوهی از نهادهای خودساخته و ادبیات وارداتی، کمتر گوهر ناب تحول رخ می‌نماید. «تحول را نباید با یک سلسله کارهای سطحی و دم‌دستی اشتباه گرفت. بعضی از کارهای سطحی، که متپورانه، عجولانه یک کاری انجام می‌گیرد؛ اینها تحول نیست؛ گاهی اوقات برای فریادشانند هوس یک کار، این کارها انجام می‌گیرد که اینها خیلی ارزشی ندارد. تحول، کار عمقی است، کار اساسی است که بایستی اتفاق بیفتد. سرعت البته مهم است لکن سرعت با شتابزدگی فرق دارد.» رهبری، به کمک این خصیصه، تحول امام را این‌گونه توصیف می‌کنند: «اگر آن وقت یک گروهی از مردم یک مطالبه‌ای هم از دستگاه یا از قدرتمندان آن زمان داشتند این بود که مثلاً این کوچه آسفالت بشود یا این خیابان این‌جوری کشیده‌شود؛ مطالبات در این حد [بود]؛ این را تبدیل کردند به مطالبه استقلال، آزادی؛ یعنی [آرمان‌های] عظیم. یا شاعر «نه شرقی، نه غربی»؛ «در خواسته‌های مردم آنچنان تحولی به وجود آمد که از این چیزهای حقیر، کوچک، محلی و محدود تبدیل شد به یک امور اساسی، بزرگ، انسانی و جهانی.»

بعضی از حرکت‌های سبک و سطحی را نمی‌شود به حساب تحول گذاشت؛ تحول پشتوانه فکری [می‌خواهد]. ما باید از داریایی‌های معنوی مان در این زمینه استفاده کنیم که عبارت است از احکام اسلام و مقررات اسلامی و آیات کریمه قرآن و کلمات اهل بیت علیهم‌السلام؛ از اینها باید استفاده کنیم و براساس اینها باید تحول ایجاد بکنیم.» این موضوع یک گام هم فراتر می‌رود، زمانی که به واسطه تحول، این اتصال آسمانی رخ داد، انصاف تامه الهی نیز در پی خواهد یافت. اگر میزان تحول خدا باشد میزان هم خودش خواهد بود. «امام بزرگوار که این همه تحولات را به وجود آورد و به معنای واقعی کلمه امام تحول بود، اما اینها را از خدا می‌دانست؛ امام اینها را به خودش نسبت نمی‌داد، اینها را از خدا می‌دانست. واقعه هم همین است که از خدا است؛ لا حول و لا قوة الا بالله العلی‌العظیم، همه چیز و هر حول و قوه‌ای از خدا است. و امام واقعا این [آیه] «ما مَیَّتٌ اذ رَمیت» را به معنای واقعی کلمه معتقد بود.» با این دو بیان، اتصال آسمانی نوآوری در یک مسیر دوطرفه است.

اراده انفسی. دو خصیصه پیشین، تحول را زاینده ارتباط خالق و مخلوق تفسیر می‌کند. فطرت انسانی و اراده الهی به‌گونه‌ای عصاره مباحث پیشین است. اما کدام یک نقطه آغازی برای تحول است؟ اراده، خواست، طلب و حرکت انسان، مبنا و محور این تغییر است. «انسان‌ها اگر چنانچه درست حرکت بکنند، درست پیش خواهند رفت؛ اگر چنانچه غلط حرکت بکنند، پسرقت خواهند داشت، که در قرآن هم به‌هر دوی اینها اشاره شده. در سوره مبارکه رعد [می‌فرماید]: ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم؛ که سیاق آیات نشان می‌دهد که [این آیه] آن جنبه مثبت را بیان می‌کند، یعنی وقتی که شما تغییرات مثبت در خودتان ایجاد کردید، خدای متعال هم برای شما حوادث مثبت و واقعیت‌های مثبت را به وجود می‌آورد. دومی در سوره انفال است: ذلک بان الله لم یتغیر نعمته الی‌کم حتی یتغیروا ما بانفسهم؛ این جنبه منفی است، جنبه عقبگرد است، که اگر چنانچه خدا نعمتی به یک ملتی داد و این ملت درست حرکت نکردند، درست عمل نکردند، خداوند این نعمت را از اینها می‌گیرد.»

این بخش از نظریه به جبرگرایی یا دترمینیسم نیز ارتباط می‌یابد مسأله‌ای که فیلسوفانی نظیر ابن عربی، توماس هابز، اسپینوزا، لابنتیس، هیوم، کانت و شوبنهاور را به خود درگیر ساخت؛ نظریه‌ای که دست‌وپیای بشر را به تاریخ و تصمیمات وی می‌مخکوب می‌کند.

صبرورت زمینه‌ای. وجه دیگری از این نظریه به دوام و استمرار و غیرموقعیتی بودن امر تحول اشاره دارد. زمینه‌ای بودن تحول، نقش آن را بیش از پیش در سبک زندگی فردی و اجتماعی افراد پررنگ می‌سازد و آن را از موضوعی فرعی و حاشیه‌ای به موضوعی اصلی و زمینه‌ای مبدل می‌سازد. «در موارد زیادی تحول به معنای این است که ما به آنچه داریم، به داشته‌هایمان اکتفا نمی‌کنیم، یک‌قدمی بالاتر، یک مرحله‌ای جلوتر را دنبال می‌کنیم. گرایش مستمرب به بهتر شدن؛ اکتفا نکردن به داشته‌های موجود. حتماً لازم نیست یک‌جا احساس شکست کرده باشیم تا بخواهیم تحول ایجاد کنیم؛